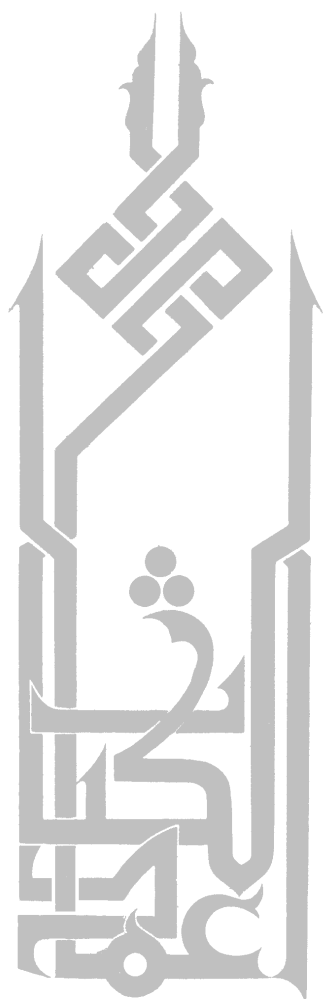


در احوال و آثار استاد علی راهجیری خوشنویس و خط پژوه گوشه نشین



در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت مقدمه

اولین آشنایی من با استاد علی راهجیری خوشنویس و پژوهشگر عرصه‌ی خط و ادیب نامور به سال ۱۳۶۰ باز می‌گردد. در آن زمان دو کتاب در حوزه‌ی خط و خوشنویسی از ایشان در فروشگاه انجمن خوشنویسان ارائه می‌شد:

کتاب «زندگانی و آثار عماد الکتاب»: این کتاب با جلد سبز رنگ و کاغذ گلاسه در قطع وزیری و با چاپ مرغوب آن زمان در دسترس اهل خط قرار گرفته بود.

کتاب «تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران»: این کتاب را نیز گرچه در آن روزگار فقط ورق می‌زدیم اما باعث شده بود که نام نگارنده‌ی آن، در ذهنم ماندگار شود. بعدها که جزوه‌ای کوچک در تاریخ خط نوشتم یکی از منابع اصلی‌ام همین کتاب بود. سپس در جریان آشنایی بیشتر با استاد راهجیری، دو رسم‌الخط با نام «حمید» و «چهار جزوه کوچک» در آموزش خط تحریر (انتشارات هیرمند، ۱۳۸۶) را نیز مشاهده کردم که هنرجویان از آنها استفاده می‌کردند و خودم نیز آن آثار گرانبه‌ای استاد را که تجربه و بینش ایشان در آنها جاری و ساری بود تهیه و هر چند وقت یک بار تورق می‌نمودم.

در دهه‌های شصت و هفتاد که مضامین پژوهشی خط من را با مجلات هنر و مردم (۱۳۵۸-۱۳۴۱) آشنا کرد و باعث شد که میراث هنر خوشنویسی را از بُعد آثار و مقالات پژوهشی معاصران دنبال کنم، دریافتیم که استاد راهجیری تعدادی مقاله با محور معرفی افراد مبرز عرصه‌ی خط به نگارش درآورده‌اند که برخی از آنها به این نشانی‌ها در مجلات هنر و مردم و همچنین کیهان فرهنگی چاپ شده است.

- میرزا غلامرضا اصفهانی (شهریور ۱۳۵۵)
- گنج در ویرانه، در احوال و آثار مجدالدین نصیری خوشنویس دانشمند (آذر ۱۳۵۳)

- گنج نور از منظر کارشناسی (کیهان فرهنگی، فروردین ۱۳۶۶)
میرزا محمدرضا کلهر؛ یادنامه‌ی محمدرضا کلهر، شهریور ۱۳۶۸، انجمن خوشنویسان ایران

براین اساس آرام آرام با استاد راهجیری به عنوان خوشنویس محقق یا محقق خوشنویس آشنایی بیشتری پیدا کردم.

در دهه‌ی هفتاد یعنی سال ۱۳۶۴ چاپ دوم کتاب «تذکره خوشنویسان معاصر»، توسط نشر امیرکبیر به چاپ رسید. لازم به ذکر است چاپ نخست این کتاب در سال ۱۳۴۶ انجام شده و از نظر معرفی نسل خوشنویسان ۸۰ سال گذشته و دوره‌ی معاصر بسیار ارزنده است. کتاب با شرح حال کلهر (۱۳۱۵-۱۳۴۵ هـ ق) آغاز و با شرح حال مؤلف پایان می‌یابد. در این کتاب

استاد راهجیری علاوه بر ذکر آثار و احوال خوشنویسان همراه با اجداد و نسب‌نامه‌های هنری آنان و ذکر استادان و کتاب‌های به نگارش درآمده، گامی موثر در توصیف و سرگذشت نگاری برداشته و به گونه‌ای مقدمات تحلیل آثار را برای دیگران فراهم آورده‌اند که از این جهت شمه پژوهشی و هنری ایشان را بیان می‌کند. اما در کفهی دیگر ترازو توانایی‌های استاد، نگارش قطعات خوشنویسی در قالب چلیپا و کتابت است که در کنار آثار پژوهشی ایشان به چاپ رسیده است. لازم به ذکر است در مجله‌ی هنر و مردم چند قطعه از آثار استاد راهجیری در آن مقطع زمانی منتشر شده که در این مجله بزرگانی چون استاد خروش، استاد امیرخانی، استاد اخوین، استاد عطارچیان آثار خود را به چاپ می‌رسانند.

سیرو سلوک استاد در خوشنویسی و ادبیات

استاد راهجیری متولد ۱۳۱۷ بوده و از محضر استادان بزرگی خوشه‌چینی کرده است. معلم اول وی علی عبدعاصی و مرحوم ابوالفضل کجوری بوده‌اند. مرحوم فرزب، مرحوم حسن زرین خط، مرحوم استاد علی‌اکبر کاوه و برادران میرخانی از دیگر استادان ایشان بوده‌اند که همواره با احترام خاصی از این بزرگان یاد می‌کند. استاد همیشه حضور این بزرگواران را در کنار خود احساس نموده و در کنار میز و وسایل خوشنویسی خود چهره و عکس این عزیزان را نصب و هر لحظه در حق آنها مراتب ارادت و حق شاگردی را ادا می‌کند. در مصاحبت‌ها نیز ایشان نام این بزرگان را با واژه‌های ویژه یاد می‌کند. مثلاً از مرحوم استاد کاوه به عنوان شیر عرصه‌ی خط نام می‌برد و از

فضایل اخلاقی مرحوم کجوری و تأثیر او در شکل‌گیری منش و شخصیت خود به نیکی یاد می‌کند.

استاد راهجیری با ادبیات پیوستگی قابل توجهی دارد و در شعر «حزین» تخلص می‌کند. مطالب و بیانات وی میزان مطالعه‌ی پیوسته وی را در ادبیات فارسی و عربی به خوبی معرفی می‌کند و نکته‌های نغز و پسندیده‌ای دائماً بر زبان وی جاری

می‌گردد که مانند خوشنویسی ایشان که باعث حظ بصری می‌گردد، انبساط خاطر حاضران را به دنبال دارد. او مراتب ادبی را در محضر بزرگانی چون دکتر سیدحسن صفوی و غلامرضا کیوان سمیعی طی کرده و همواره برای آنان احترام قائل می‌باشد. دکتر سیدحسن سادات ناصری، استاد فقید دانشگاه تهران نکته‌دانی و ادب‌دانی راهجیری را در مقدمه‌ای که بر کتاب وی نگاشته، چنین توصیف می‌کند:

«آثار استاد راهجیری، متین و مبین حوصله و پشتکار قابل تقدیس ایشان در عالم تحقیق و هنرمندی است. نظم منطقی و تاریخی توأم با ربط مطالب و وسواس محققانه، خواننده را با یک سلسله حقایق و وقایع تاریخی در زمینه‌ی پیدا آمدن خط و احوال و آثار خوشنویسان آشنا می‌سازد و چراغی تابناک و مرجعی صادق فرا راه پژوهندگان این فن قرار می‌دهد»^۱

راهجیری از ۱۳۸۵ به علت بروز بیماری انزوای بیشتری را پیشه کرده است و هر چند در محافل خوشنویسی نیز به خاطر مسائل و مشکلات و انتقاداتی که دارد، حضور کمتری پیدا می‌کند اما امروزه روز، اگر کسی بخواهد استاد راهجیری را ملاقات کند کار ساده‌ای پیش رو نخواهد داشت. زیرا گوشه‌نشینی راهجیری همراه با عدم پذیرش ملاقات دیگران این کار را سخت‌تر نموده است. او که در روزگار جوانی خویش، خوشنویسان کم‌آوازه ولی قابل را با عنوان «گنج در ویرانه» معرفی می‌کرد امروزه خود مصداق همان گنج در ویرانه است و با خود نجوا می‌کند:

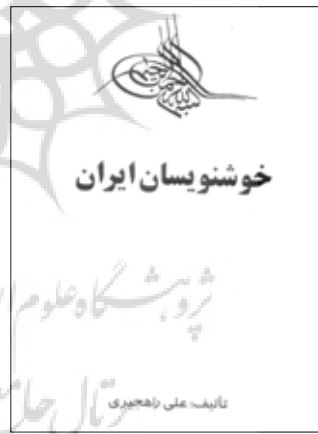
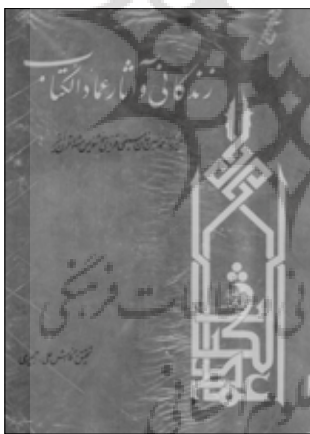
مرا که نام شراب از کتاب می‌شستم
زمانه کاتب دکان می‌فروشم کرد!

البته در همین سال‌ها با نسلی از استادان مواجه‌ایم که به علت کهنلت سن و عدم حضور در عرصه‌های خط- حتی نسل جوان- با آنها آشنایی محدودی دارد. استاد اویس

وفسی، استاد فتحعلی واشقانی و استاد راهجیری از این زمره‌اند که متأسفانه ضعف رو به تزاید تشکلی مانند انجمن خوشنویسان ایران و عدم حضور تأثیرگذار در صحنه‌ی خوشنویسی کشور به خاطر مشکلات، نیز باعث شده که این انجمن هیچ برنامه‌ی ویژه‌ای برای حمایت فرهنگی و عاطفی از این استادان پیشکسوت نداشته باشد و به‌طور حتم این یک نقیصه‌ی جدی برای انجمنی است که در اساسنامه‌ی آن حمایت و دفاع از حقوق خوشنویسان یکی از بندهای اصلی آن ذکر شده است!

با تمام این احوال از آنجا که استاد راهجیری عاشق هنرش می‌باشد هنوز در سن

۷۱ سالگی امیدوارانه می‌نویسد. او در کنج قناعت خود و در بالای سرش یک سطر چند کلمه‌ای اما پرمعنا از مرحوم استاد زرین خط- که آن را بر روی یک کاغذ قهوه‌ای ساده نوشته- نصب کرده و گویی با این عبارت یعنی «هذا من فضل ربّی» هر روزه به معراج روحی می‌رود و با خود این درس را تکرار می‌کند که «وارستگی اوج زندگی معنوی است.» در خلوت عارفانه‌ی وی جز دوات و قلم و دفتر و مرکب، قطعات خط، اشعار، صفحات سیاه مشق و آثار و اشیاء قدیمی چیزی دیده نمی‌شود. خانه او آن‌چنان بی‌تکلف و ساده و بی‌پیرایه است که بالای اطاق از پایین آن قابل تشخیص و تفکیک نیست و فقط جای نشستن استاد آن هم در پشت یک میز کوچک معلوم است که البته زمان حضور مهمان هیچ‌گاه در آنجا نمی‌نشیند و مهمان را در صدر نشانده و خود در جلوی در می‌نشیند.





در جایگاه استادی هستند. مجید فدایی منش، محمدصادق احدپور، محمد جوادزاده، حجت اسدی و دیگران از کسانی هستند که شیوهی استاد را در این دوره‌ی زمانی به خوبی آینه‌داری می‌کنند.

راهجیری، استاد کیخسرو خروش را استاد طراز اول خوشنویسی نستعلیق به شمار می‌آورد و معتقد است خروش گردش دست عمادالکتاب و شیوهی حسین آقامیرخانی را در خطش منعکس می‌کند حتی بر این باور است که دور دست و گردش قلم خروش از عمادالکتاب منقح‌تر اجرا می‌شود. از حیث اصل مهم ترکیب بر این باور است که خروش با توجه به آشنایی با مبانی هنرهای تجسمی ترکیب را به خوبی می‌شناسد و به لحاظ این توانایی، ترکیبات خطی وی سالم و حساب شده است.

در مورد استاد امیرخانی معتقد است که وی ترکیبات خاص خود را دارد و بر این نکته تأکید می‌ورزد که کار مهندسی حروف توسط امیرخانی حالتی مادرزادی دارد و قدرت او در کنار هم نشاندن حروف و کلمات بالا بوده و بالاخره اینکه ذهن فیاض او، باعث جرأت‌دادن به دست و قلم او شده است. امیرخانی فضای قبل و بعد هر حرف و کلمه را می‌شناسد و در نهایت از او به عنوان نابغه‌ی هنر خط نام می‌برد و برای این اظهار نظر خود این پشتوانه را ذکر می‌کند که امیرخانی در خوشنویسی از بس که استخوان خرد کرده است هر خطی را که در هر حالت روحی بنویسد جذاب بوده و حتی در بی‌حالی نیز اثر قلم او زیباست و دارای مزه‌ای است که این مزه همان کیفیتی است که بیننده را دلنشین می‌آید و قابل معرفی با لغت نیست.

او در معرفی و توصیف شخصیت هنری مرحوم علی اکبر کاوه می‌گوید او یک معلم خط و یک مشاق مطلق بود هم در تمرین و هم در تعلیم

راهجیری، تأثیرپذیری از استادان خط

استاد راهجیری بیشترین تأثیر را از استاد علی اکبرخان کاوه (۱۳۶۹-۱۲۷۵ هـ ش) زبده‌ترین شاگرد عمادالکتاب پذیرفته است. وی از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۲ به مدت پنج سال، محضر استاد کاوه را درک کرده و در تمام این مدت با حضور در جلسات کلاس ایشان از نحوه‌ی نگارش استاد الهام گرفته است.

بر این نکته باید افزود در سال‌های ۱۳۴۱ و ۴۲ ایشان همزمان از محضر استاد حسین و استاد حسن میرخانی نیز استفاده کرده است و به روایت خودش بسیاری از نازک‌کاری‌ها و رمز و راز و قواعد خط را از راهنمایی‌های میرزا حسن فرزیب که از شاگردان طراز اول عمادالکتاب بوده، آموخته است. او حق نکاتی را که در محضر استاد زرین خط آموخته هیچ‌وقت فراموش نمی‌کند زیرا به صورت پراکنده از کلاس وی نیز استفاده کرده است.

اما آنچه باید در مورد محصول نهایی خط راهجیری بنویسیم، بخشی از آن این است که خط استاد راهجیری در حال حاضر امانتدار شیوهی استاد کاوه و بهره‌گیری از نکته‌های خطوط معاصران و نظم یافتن آن در یک قالب متجانس می‌باشد و چنان‌که خود اشاره دارد در طی سالیان متمادی با مشق نظری، همواره حروف و کلمات و حرکات‌ها و چاشنی‌ها و شگردهایی را که از نظر گذرانده و در نظرش دارای کیفیت بوده، سعی خود را در استفاده از آنها به کار گرفته است.

استاد راهجیری با توجه به تلاش‌های محققانه‌ی خود در حوزه‌ی خط به ویژه خط نستعلیق، کانون و مرکز اصلی خط را «نگارش با قلم کتابت» معرفی می‌کند که ظرافت و لطافت در آن مندرج است. البته بر این نکته می‌افزاید اگر مرحوم کلهر در کتابت، قلم را گوشت‌آلود کرد و حروف و کلمات را در هیأتی تازه به تحریر درآورد با این هدف بوده که جوابگوی صنعت چاپ باشد و کلهر این تحول را در زمانی به انجام رسانده که در مرحله‌ی بلوغ و زبردستی کامل در خط نستعلیق بوده و با این توانایی و احساس نیاز به انجام این تغییر اقدام نموده است.

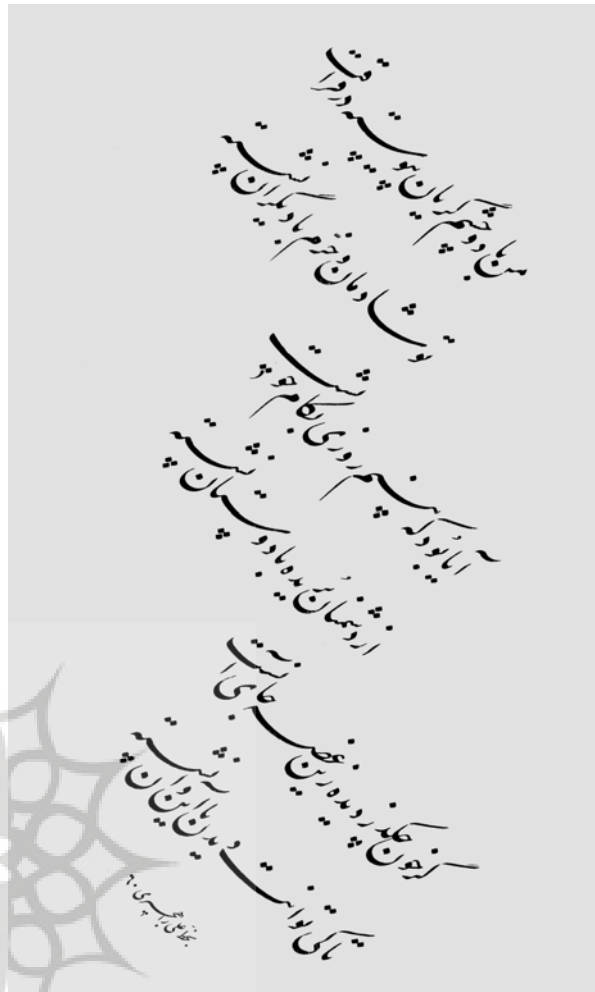
در عین حال وی تسریع می‌کند که آماده‌کردن قلم استخوانی برای نازک‌نویسی کار سختی است و قلم برای چنین نگارشی باید دائماً تراشیده شود و تحمل و صبر زیادی را هر کاتب بر خود باید هموار کند.

روایت راهجیری از تلاش هنرمندانه‌ی خوشنویسان

معاصر

راهجیری خوشنویس و خط‌پژوه متواضعی است و به همین دلیل خوشنویسان معاصر را متناسب با شؤونات و ارزش هنری آنها صادقانه و خالصانه ارزیابی می‌کند البته این سنت در خوشنویسی قدیم و معاصر این دیار هنوز به خوبی جانفشارده است. در این جا برخی از دیدگاه‌های وی که نمونه‌هایی از قدرت تحلیلی اوست را ذکر می‌کنیم.

او در مورد استاد عباس اخوین بر این باور است که ایشان شیوه‌ی میرعماد را به خوبی در نگارش پیاده می‌کند. زمانی نگارنده در یکی از میزگردهای خوشنویسی از استاد اخوین به عنوان میرعماد معاصر یاد نمودم و امروزه روز استاد راهجیری بر این باور است که استاد اخوین در خوشنویسی معاصر بی‌جانشین است. در عین حال باید به این نکته نیز توجه دهیم که استاد اخوین شاگردان مبرز و توانایی دارد که هر کدام امروز



معاصر (چاپ ۱۳۴۶ و چاپ دوم ۱۳۶۴، امیرکبیر)، ۲- تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران (چاپ اول ۱۳۴۹، چاپ دوم ۱۳۵۸)، ۳- زندگانی و آثار عمادالکتاب (۱۳۶۰)، کتابخانه مرکزی، ۴- تذکره خوشنویسان ایران (۱۳۸۶)، میراث مکتوب) از تلاش‌های پژوهشی وی در این حوزه است. در عین حال همواره در حواشی و لابلای این آثار و به ویژه در کتاب زندگی عمادالکتاب، آثار خوشنویسی راهجیری در قالب قطعه و کتابت درج شده که مخاطب و خواننده آگاه باشد که با محققى روبه‌روست که دارای تجربه‌ی ارزنده در موضوع تحقیق خود می‌باشد، «مناجات پیرهرات»، «صد پند لقمان» و کتاب «مُلستان» اثر میرزاابراهیم مدایح‌نگار که اثری مستقل در قالب کتابت است (۱۳۶۲)، انتشارات امیرکبیر) از آثار ارزنده استاد می‌باشد.

راهجیری به لحاظ روحیه‌ی جست و جوگری و نگارش مقالات و کتاب‌ها شاید کارنامه‌ی کم‌برگی را ارائه کرده باشد. اما اثری مانند زندگی عمادالکتاب اثر پربراری است و مرجعی مشخص برای شناخت آثار این چهره‌ی اثرگذار به شمار می‌رود و ایشان از این نظر که در آغاز این راه و گشایش آن پیشرو بوده، بسیار قابل احترام هستند. زیرا کمتر خوشنویسی داریم که از این بُعد آثاری را به جامعه‌ی خوشنویسی ارائه کرده باشد- لازم به ذکر است نگارنده با تأسی از این اثر، کتاب تحلیل آثار زندگانی استاد غلامحسین امیرخانی را به رشته تحریر درآورده که به زودی توسط انتشارات علمی و فرهنگی منتشر خواهد شد- شاهد این مدعا این است که وی کتاب تذکره خوشنویسان معاصر را در سن ۲۵ سالگی به تحریر درآورده و بعد از آن نیز به نگارش کتاب تاریخ خط روی آورده است.

در کنار این تلاش‌ها وی از سال ۱۳۳۸ به روایت خودش کار تدریس خط را آغاز کرد و نگارنده خود نیز این افتخار را داشت که در سال‌های بعد از انقلاب شاهد تلاش استاد راهجیری در کار تعلیم هنرجویان باشد. وی کار تدریس را تا ۱۳۷۷ در انجمن ادامه داد و چند سالی نیز در شورای تشخیص ارزشیابی انجمن به فعالیت پرداخت. در عین حال از سال ۱۳۸۵ تمام فعالیت‌های بیرونی خود را کنار نهاده و در منزل شخصی به کار نوشتن و دست و پنجه نرم کردن یا گرفتاری‌های دوران کهن سالی پرداخته است. با این حال هنوز نیز به تأسی از استاد علی اکبرکاوه با عشق می‌نویسد و آثارش در سن ۷۱ سالگی طراوت و صفای روح صادق و پاکیزه او را معرفی می‌کند. امیدواریم با لطف الهی جامعه‌ی خوشنویسی همواره سایه‌ی او را بر سر خود داشته باشد.^۲

پانوشته‌ها:

- ۱- مقدمه زندگانی و آثار عمادالکتاب (۱۳۶۰).
- ۲- نقل قول‌ها برگرفته از گفت‌وگوی نگارنده با استاد راهجیری، مورخ ۸۷/۱۱/۱۴ و ۸۷/۱۱/۱۵ می‌باشد.

منابع:

- ۱- گفت‌وگو با استاد علی راهجیری ۸۷/۱۱/۱۴
- ۲- گفت‌وگو با استاد علی راهجیری ۸۷/۱۱/۱۵
- ۳- مجلات هنر و مردم ۱۳۵۸-۱۳۴۱
- ۴- راهجیری، علی. زندگانی و آثار عمادالکتاب، تهران: کتابخانه مرکزی، چاپ اول، ۱۳۶۰.

تعصب زیادی نسبت به قواعد خط داشت. اندازه‌ها را دقیق رعایت می‌کرد و حتی خشکی خط وی را به رعایت دقیق این اندازه‌ها نسبت می‌دهد.

اما در نقطه‌ی مقابل معتقد است که میرخانی‌ها به علت این که از کودکی خط را در محضر پدرشان آموخته بودند، گویی خط در روح آنها دمیده شده بود و آن را با تمام وجود هضم کرده بودند بنابراین روایت آنها متفاوت است. آنها دست را قالبی نمی‌دانستند که همیشه الف را سه نقطه بنویسد. تعصبی نیز نبوده و انعطاف داشتند و مثال می‌آورد که مرحوم استاد حسین می‌گفت در مواردی باید کمی از الف را زد دید و آن را کوچکتر نوشت. او سطرنویس قهاری بود و نرم و شیرین می‌نوشت.

اما باید اذعان کرد که راهجیری بیشترین تأثیر را از استاد کاوه اخذ نموده که از فرط تمرین و عشق به خط و نگارش مستمر دستش حتی در زمان درگذشت وی حالت قلم گرفتگی داشت! به گونه‌ای که اعجاب اطرافیان وی را برانگیخته بود.

آثار پژوهشی استاد راهجیری با نگارش تذکره‌ها و تک‌نگاری از زندگی عمادالکتاب و تاریخ مختصر خط به زندگی هنری خود بُعد پژوهشی را نیز افزوده است. استاد در انجام چنین کارهایی بر این باور بوده که زندگی فردی تأثیرگذار مانند عمادالکتاب (۱۳۱۵-۱۲۴۰ هـ ش) باید در جایی حفظ شود و با این کار به یک هدف بزرگتر یعنی حفظ سلسله هنر خط در تاریخ می‌اندیشیده است. به همین دلیل کتاب‌هایی مثل ۱- تذکره خوشنویسان